

عهدنامه 1969 وین در خصوص حقوق معاهدات

کشورهای طرف عهدنامه حاضر،

با توجه به نقش اساسی معاهدات در
تاریخ روابط بین‌المللی،

با تشخیص اهمیت روزافزون معاهدات
به‌عنوان یکی از منابع حقوق بین‌الملل و
به‌عنوان وسیله‌ای برای توسعه همکاری
مسالمت‌آمیز بین ملتها قطع‌نظر از نظام
اجتماعی و سیستم حکومتی آنها،

با درک اینکه اصل رضایت آزادانه و
اصل حُسن نیت و قاعده الزام‌آور بودن
تعهدات به‌صورت جهانی مورد قبول قرار
گرفته است،

با تأیید اینکه اختلافات مربوط به
معاهدات، مانند دیگر اختلافات
بین‌المللی، باید به طریق مسالمت‌آمیز و
طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل حل و
فصل شود،

با به‌خاطر آوردن تصمیم ملتهای عضو
سازمان ملل برای ایجاد شرایطی که تحت
آن بتوان عدالت و احترام به تعهدات ناشی
از معاهدات را حفظ کرد،

با در نظر داشتن اصول حقوق بین‌الملل
منعکس در منشور ملل متحد، مانند اصل
تساوی حقوق ملتها و حق آنها در تعیین
سرنوشت خود، اصل تساوی حاکمیت کشورها و
استقلال آنها، اصل عدم مداخله در امور
داخلی کشورها، اصل ممنوعیت تهدید به
اعمال زور یا اعمال زور، و اصل احترام
و رعایت جهانی حقوق بشر و آزادیهای
اساسی همه افراد،

با اعتقاد به اینکه تدوین و توسعه
مترقیانه حقوق معاهدات که در این
عهدنامه تحقق پذیرفته است، در نیل به
مقاصد سازمان ملل به‌نحوی که در منشور
ملل متحد بیان شده یعنی حفظ صلح و
امنیت بین‌المللی. توسعه روابط دوستانه
و دستیابی به همکاری بین ملتها، کمک
خواهد کرد،

و با تأیید این نکته که قواعد حقوق
بین‌الملل عرفی در مورد مسائلی که مشمول

مفاد این عهدنامه نمی‌شود، همچنان جاری خواهد بود،
به شرح زیر توافق کرده اند:

بخش اول

مقدمه

ماده 1

قلمرو عهدنامه حاضر
عهدنامه حاضر ناظر بر معاهدات منعقد
بین کشورها است.

ماده 2

کاربرد اصطلاحات

1- از نظر عهدنامه حاضر:

الف - «معاهده» عبارت است از يك توافق¹ بین المللی که بین کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین الملل باشد، صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد؛

1. کلمه agreement در دو ماده 2 و 3 به اقتضای معنی به کلمه «توافق» و در سایر مواد به کلمه «موافقتنامه» ترجمه شده است.

ب - «تنفیذ»، «قبول»، «تصویب» و «الحاق» به معنای آن اقدام بین‌المللی است که به‌حسب مورد واجد یکی از عناوین مزبور بوده و به‌وسیله آن، کشوری در عرصه بین‌المللی رضایت خود را به التزام در قبال یک معاهده ابراز می‌کند؛

ج - «اختیارات تام» به معنای سندی است که به‌وسیله مرجع صالح یک کشور صادر می‌شود و طبق آن شخص یا اشخاصی برای نمایندگی آن کشور جهت مذاکره، قبول، یا تأیید اعتبار متن یک معاهده، یا جهت اعلام رضایت آن دولت به التزام در قبال یک معاهده، و یا جهت انجام هر اقدام دیگری در مورد یک معاهده تعیین می‌گردد؛

د - «تحدید تعهد»² عبارت است از بیانیه یک‌جانبه‌ای که یک کشور تحت هر نام یا به هر عبارت در موقع امضا، تنفیذ، قبول، تصویب یا الحاق به یک معاهده صادر می‌کند و به‌وسیله آن قصد خود را دایر بر عدم شمول یا تعدیل آثار حقوقی بعضی از مقررات معاهده نسبت به خود بیان می‌دارد؛

2. reservation این اصطلاح به «حق شرط» نیز ترجمه شده است.

هـ - «کشور مذاکره‌کننده» عبارت است از کشوری که در تنظیم و پذیرفته شدن متن معاهده شرکت نموده باشد؛

و- «کشور متعهد» عبارت است از کشوری که رضایت خود را به التزام در قبال يك معاهده اعلام نموده باشد، اعم از اینکه معاهده لازم‌الاجرا شده باشد یا خیر؛

ز- «طرف» معاهده عبارت است از کشوری که رضایت خود را به التزام در قبال يك معاهده اعلام نموده و معاهده در ارتباط با او لازم‌الاجرا باشد؛

ح - «کشور ثالث» عبارت است از کشوری که طرف معاهده نباشد؛

ط - «سازمان بین‌المللی» عبارت است از يك سازمان بین دول؛

2- مفاد بند 1 راجع به کاربرد اصطلاحات در این عهدنامه، تأثیری در استفاده از آن اصطلاحات، یا در معانی آنها در حقوق داخلی هر کشور ندارد.

ماده 3

توافقیهای بین‌المللی‌ای که داخل در قلمرو عهدنامه حاضر نیستند

این واقعیت که عهدنامه حاضر ناظر بر توافقیهای بین‌المللی منعقد شده بین کشورهای و سایر اشخاص موضوع حقوق بین‌الملل، یا توافقیهای فی‌مابین همان سایر اشخاص موضوع حقوق بین‌الملل و یا توافقیهای بین‌المللی غیرکتبی نیست، تأثیر در موارد ذیل نخواهد داشت:

الف - ارزش حقوقی توافقیهای مذکور؛

ب - شمول هر یک از قواعد منعکس در عهدنامه حاضر بر توافقیهای مذکور، در مواردی که توافقیهای مورد بحث به موجب حقوق بین‌الملل و فارغ از عهدنامه مشمول آن قواعد باشند؛

ج - شمول این عهدنامه بر آن دسته از روابط کشورهای که به موجب توافقیهای بین‌المللی بین آنها ایجاد شده و سایر اشخاص موضوع حقوق بین‌الملل نیز طرف آن توافقیها هستند.

ماده 4

عطف به ماسبق نشده عهدنامه حاضر

بدون تأثیر بر آن دسته از قواعد مندرج در عهدنامه حاضر که معاهدات موجود، به موجب حقوق بین الملل و مستقل از این عهدنامه مشمول آنها خواهند بود، عهدنامه حاضر فقط شامل معاهداتی می شود که به وسیله کشورها پس از لازم الاجرا شدن این عهدنامه نسبت به آنها منعقد شده باشد.

ماده 5

معاهدات تشکیل دهنده سازمانهای بین المللی و معاهدات پذیرفته شده در چارچوب يك سازمان بین المللی

این عهدنامه بر هر معاهده ای که سند تأسیس يك سازمان بین المللی باشد و هر معاهده ای که در چارچوب يك سازمان بین المللی پذیرفته شود، اعمال خواهد شد بی آنکه به هیچ کدام از مقررات مربوط به آن سازمان لطمه ای وارد کند.

بخش دوم
انعقاد معاهدات و لازم الاجرا شدن آنها
فصل اول: انعقاد معاهدات
ماده 6
اهلیت کشورها برای انعقاد معاهدات

هر کشوری اهلیت انعقاد معاهدات را دارد.

ماده 7
اختیارات تام

1- يك شخص در صورتي نماينده يك کشور به منظور پذيرفتن يا اعتبار بخشیدن به يك معاهده يا به منظور اعلام رضایت آن کشور به التزام در قبال يك معاهده شمرده می‌شود، که:

الف - مدارك مناسب و مقتضي در مورد تام الاختيار بودن خود ارائه کند؛ و یا
ب - از نحوه عمل کشورهای ذینفع یا اوضاع و احوال دیگر معلوم شود که قصد آنها این بوده است تا آن شخص را برای مقاصد مذکور نماينده آن کشور تلقي

نموده و از [لـزوم ارائه مدارك]³ اختیارات تام صرفنظر نمایند.

2— اشخاص مذکور در ذیل برحسب سمتهایی که دارند و بی‌آنکه لازم باشد مدارکی دال بر تام‌الاختیار بودن ارائه دهند، نماینده کشور خویش محسوب می‌شوند:

الف - رؤسای کشورها، رؤسای دولتها و وزرای امور خارجه، به‌منظور انجام تمام اعمال مربوطه انعقاد يك معاهده؛

ب - رؤسای هیئتهای سیاسی [دیپلماتیک] به‌منظور پذیرفتن متن يك معاهده بین‌کشوری که به آنها استوارنامه داده و کشوری که استوارنامه آنها را پذیرفته است؛

ج - نمایندگان که کشورها به يك کنفرانس بین‌المللی، یا يك سازمان بین‌المللی، یا یکی از ارگانهای آن به‌منظور پذیرفتن متن يك معاهده در آن کنفرانس یا سازمان یا ارگان معرفی کرده باشند.

ماده 8

3. آنچه داخل قلاب آمده برای تسهیل درک مطلب و اضافه بر متن است.

تأیید بعدی اقدامی که بدون مجوز صورت گرفته باشد

اقدام مربوط به انعقاد يك معاهده به وسیله شخصی که به موجب ماده 7، نماینده کشور مربوطه برای این منظور محسوب نمی‌شود، اثر حقوقی نخواهد داشت مگر متعاقباً به وسیله آن کشور مورد تأیید قرار گیرد.

ماده 9

پذیرش متن

1- به استثنای آنچه که در بند 2 مقرر شده است، پذیرش متن يك معاهده با رضایت همه دولتهایی که در تنظیم آن شرکت کرده‌اند تحقق می‌یابد.

2- پذیرش متن يك معاهده در يك کنفرانس بین‌المللی با رأی دوسوم کشورهای حاضر و رأی‌دهنده صورت می‌گیرد مگر آنکه آنها با همین اکثریت برای اعمال قاعده دیگری اتخاذ تصمیم نمایند.

ماده 10

اعتبار بخشیدن به متن

متن يك معاهده به طرق ذیل قانوناً معتبر و قطعي شمرده می‌شود:

الف - به شیوه‌ای که در متن معاهده مقرر شده و یا مورد موافقت کشورهای است که در تنظیم آن شرکت کرده‌اند، یا

ب - در غیاب چنین شیوه‌ای، از طریق امضاء، امضای همزمان با کسب تکلیف،⁴ یا پاراف متن معاهده، یا قطعنامه نهایی کنفرانسی که دربرگیرنده متن معاهده باشد توسط نمایندگان آن کشورها.

ماده 11

روشهای اعلام رضایت به التزام در قبال يك معاهده

رضایت يك کشور به التزام در قبال يك معاهده، از طریق امضاء، مبادله اسناد تشکیل‌دهنده يك معاهده، تنفیذ، پذیرش، تصویب، الحاق، یا به هر وسیله دیگری که مورد توافق قرار گرفته باشد، اعلام می‌شود.

4. Signature and referendum.

ماده 12

اعلام رضایت به التزام در قبال يك معاهده از طریق امضا

1- رضایت يك کشور به التزام در قبال يك معاهده از طریق امضای نماینده آن کشور، در صورتی ابراز می‌شود که:

الف - معاهده مقرر کرده باشد که امضا واجد چنین اثری خواهد بود؛

ب - به‌نحو دیگری ثابت شود که کشورهای مذاکره‌کننده در خصوص اینکه امضا می‌یابد چنین اثری داشته باشد، توافق کرده‌اند؛ یا

ج - قصد کشور برای اعطای این اثر به امضا از اختیارات تام نماینده آن معلوم شود، یا در حین مذاکرات بیان شده باشد.

2- به‌منظور اجرای مفاد بند 1:

الف - در صورت ثبوت توافق کشورهای مذاکره‌کننده در این خصوص، پاراف متن به‌منزله امضای معاهده محسوب می‌شود؛

ب - امضای همزمان با کسب تکلیف به‌وسیله يك نماینده در صورتی‌که به‌وسیله

کشور مربوطه تأیید شود، امضای قطعی
معاهده محسوب خواهد شد.

ماده 13

اعلام رضایت به التزام در قبال يك

معاهده

از طریق مبادله اسناد تشکیل‌دهنده آن

رضایت کشورها به التزام در قبال
معاهده‌ای که به وسیله مبادله اسناد
به وجود می‌آید، از طریق همان مبادله به
صور زیر اعلام می‌گردد:

الف - اسناد معاده مقرر کرده باشد
که مبادله آنها چنین اثری خواهد داشت؛
یا

ب - به نحو دیگر ثابت شود که آن
کشورها در این خصوص که مبادله اسناد
معاهده می‌آید چنین اثری داشته باشد،
توافق کرده باشند.

ماده 14

اسناد بین‌المللی ❖ 241

رضایت به التزام در قبال يك معاهده

از طریق تنفيذ، قبولي يا تصویب

1- رضایت يك کشور به التزام در قبال معاهده از طریق تنفيذ، به صورت زیر اعلام می‌گردد:

الف - معاهده اعلام چنین رضایتی از طریق تنفيذ را پیش‌بینی نموده باشد؛
ب - به نحو دیگری ثابت شود که کشورهای مذاکره‌کننده در خصوص لزوم تنفيذ توافق کرده‌اند؛

ج - نماینده کشور مربوطه معاهده را به شرط تنفيذ امضا کرده باشد، یا
د - قصد کشور مربوطه دایر بر امضای معاهده به شرط تنفيذ از اختیارات تام نماینده آن کشور معلوم شود یا در حین مذاکرات بیان شده باشد.

2- اعلام رضایت يك کشور به التزام در قبال يك معاهده از طریق قبولي يا تصویب تحت همان شرایط ناظر بر مورد تنفيذ، صورت می‌گیرد.

ماده 15

رضایت به التزام در قبال يك معاهده از طریق الحاق

رضایت يك کشور به التزام در قبال يك معاهده از طریق الحاق به صور زیر اعلام می‌گردد:

الف - معاهده اعلام رضایت آن کشور به وسیله الحاق به معاهده را پیش‌بینی نموده باشد؛

ب - به نحو دیگری ثابت شود که کشورهای مذاکره‌کننده در خصوص اعلام رضایت آن کشور از طریق الحاق به معاهده توافق کرده‌اند؛ یا

ج - همه طرفهای معاهده بعداً توافق کرده باشند که رضایت آن کشور ممکن است با الحاق به معاهده اعلام گردد.

ماده 16

مبادله یا تودیع اسناد تنفیذ، قبولی، تصویب یا الحاق

به جز در مواردی که معاهده روش دیگری را مقرر کرده باشد، اسناد تنفیذ، قبولی، تصویب یا الحاق در صورتی به

منزله اعلام رضایت کشور به التزام در
قبال يك معاهده محسوب می‌شود که:
الف - اسناد میان کشورهای متعاهد
مبادله شود؛
ب - اسناد نزد امین تودیع گردد؛ یا
ج - در صورتی‌که در این مورد توافق
شده باشد، اسناد به کشورهای متعاهد یا
امین ابلاغ گردد.

ماده 17

رضایت به التزام در قبال قسمتی از يك
معاهده
یا انتخاب مقررات مختلف آن

1- با حفظ مفاد ماده‌های 19 تا 23،
رضایت يك کشور به التزام در قبال قسمتی
از يك معاهده فقط در صورتی مؤثر است که
معاهده چنین اجازه‌ای را بدهد، یا سایر

کشورهای متعهد در این مورد موافقت نمایند.

2- رضایت یک کشور به التزام در قبال معاهده‌ای که حق انتخاب بین مقررات مختلف آن را مجاز می‌داند فقط در صورتی مؤثر است که تصریح شود رضایت مزبور در خصوص کدامیک از مقررات معاهده ابراز شده است.

ماده 18

الزام به خودداری از لطمه زدن به هدف و منظور

یک معاهده قبل از لازم‌الاجرا شدن آن

یک کشور ملزم است از اقداماتی که به هدف و منظور یک معاهده لطمه وارد می‌کنند خودداری ورزد، هرگاه:

الف - معاهده را به شرط تنفیذ، قبولی، یا تصویب امضا نموده و یا اسناد تشکیل‌دهنده معاهده را مبادله کرده باشد؛ تا زمانی که قصدش را دایر بر عدم الحاق به معاهده تصریح نماید؛ یا

ب - رضایت خود به التزام در قبال معاهده را تصریحاً موکول به لازم‌الاجرا شدن

معاهده کرده باشد، مشروط بر اینکه لازم الاجرا شدن آن به طور نامعقول به تأخیر نیفتد.

فصل دوم: تحدید تعهد

ماده 19

تنظیم تحدید تعهد⁵

يك کشور هنگام امضاء، تنفيذ، قبولي، تصویب یا الحاق به يك معاهده مي‌تواند تعهد خود نسبت به آن معاهده را محدود کند مگر در صورتی‌که:

الف - معاهده تحدید تعهد را ممنوع کرده باشند؛

ب - معاهده مقرر کرده باشد که تحدید تعهد فقط در موارد خاص که شامل تعهد مورد بحث نیست، مجاز است؛ یا

ج - در غیر موارد مشمول بندهای «الف» و «ب»، وقتی‌که تحدید تعهد با هدف و منظور معاهده مغایرت داشته باشد.

ماده 20

قبول یا مخالفت با تحدید تعهد

5. Formulation of reservations.

1- تحديد تعهدي كه صريحاً در يك معاهده مجاز شمرده باشد، موافقت بعدي ساير كشورهاي متعاقد را لازم ندارد مگر آنكه لزوم آن در معاهده قيد شده باشد.

2- در موردی كه از تعداد محدود كشورهاي مذاكره‌كننده و نيز از هدف و منظور معاهده معلوم شود كه جاري بودن معاهده در كليت آن نسبت به تمام كشورهاي طرف معاهده شرط ضروري رضایت هر يك از آنها به التزام در قبال معاهده است، تحديد تعهد بايد مورد قبول همه طرفهاي معاهده قرار گيرد.

3- در موردی كه معاهده سند تأسيس يك سازمان بين‌المللي باشد، تحديد تعهد منوط به قبول ارگان ذيصلاحيت آن سازمان است، مگر اينكه معاهده ترتيب ديگري را مقرر کرده باشد.

4- در مواردی كه مشمول بندهاي مذکور در فوق نبوده و در معاهده به‌نحو ديگري مقرر نشده باشد:

الف - قبول تحديد تعهد يك كشور به‌وسيله يك كشور ديگر متعاقد موجب مي‌گردد كه آن دو كشور در صورت يا از

زمان لازم الاجرا شدن معاهده نسبت به آنها، در مقابل یکدیگر طرف معاهده محسوب شوند؛

ب - مخالفت يك کشور متعهد با تحديد تعهد يك کشور مانع از لازم الاجرا شدن معاهده بين کشور مخالفکننده و کشوري که تعهد خود را محدود نموده است، نمیشود مگر آنکه کشور مخالفکننده قطعاً منظور مخالف آن را ابراز نموده باشد؛

ج - اقدامي که رضایت يك دولت را دایر بر التزام در قبال يك معاهده منعکس نموده و مضافاً متضمن تحديد تعهدی باشد، به محض آنکه حداقل يك کشور دیگر متعهد تحديد تعهد را بپذیرد، اثر قانونی خواهد داشت.

5 - به منظور اجرای بندهای 2 و 4 چنانچه معاهده به نحو دیگری مقرر نکرده باشد، تحديد تعهد يك کشور وقتی از جانب کشور دیگر قبول شده تلقی میشود که کشور اخیر تا پایان دوره دوازده ماه پس از تاریخ آگاهی از تحديد تعهد یا تا زمان اعلام رضایت خود به التزام در قبال معاهده، هر کدام که مؤخر باشد، مخالفتی نسبت به تحديد تعهد ابراز نکرده باشد.

ماده 21

آثار حقوقی تحدید تعهد و مخالفت با آن

1- تحدید تعهدی که نسبت به طرف دیگر معاهده طبق مواد 19، 20 و 23 صورت گرفته باشد:

الف - برای کشوری که به تحدید تعهد اقدام نموده آن قسمت و به همان میزان از مقررات معاهده را که موضوع تحدید تعهد قرار گرفته است در رابطه وی با طرف دیگر، تعدیل می‌نماید؛ و

ب- برای طرف دیگر معاهده، همان قسمت از مقررات معاهده را تا همان میزان در قبال کشوری که از تحدید تعهد استفاده می‌کند، تعدیل می‌نماید.

2- تحدید تعهد به خودی خود مقررات معاهده را برای سایر طرفهای معاهده تعدیل نمی‌نماید.

3- اگر کشوری که با تحدید تعهد مخالفت کرده، با لازم الاجرا شدن معاهده بین خود و کشوری که به تحدید تعهد اقدام نموده مخالفت نکند، آن قسمت و به همان میزان از مقررات معاهده که موضوع

تحدید تعهد واقع شده است، بین آنها
اعمال نخواهد شد.

ماده 22

انصراف از تحدید تعهد و از مخالفت با آن

1- به جز در مواردی که معاهده نحوه
دیگری را مقرر نماید، تحدید تعهد را
می‌توان در هر زمان مسترد داشت و رضایت
کشوری که تحدید را پذیرفته است برای آن
انصراف ضرورت ندارد.

2- به جز در مواردی که معاهده نحوه
دیگری را مقرر نماید، مخالفت با تحدید
تعهد را می‌توان در هر زمان مسترد داشت.
3- به جز در مواردی که معاهده نحوه
دیگری را مقرر نماید و یا روی نحوه
دیگری توافق شده باشد:

الف - انصراف از تحدید تعهد تنها وقتی در مورد کشور دیگر متعاهد واجد اثر حقوقی است که این امر به آن کشور دیگر ابلاغ شده باشد؛

ب - انصراف از مخالفت نسبت به تحدید تعهد تنها وقتی واجد اثر حقوقی است که این امر به کشوری که به تحدید تعهد اقدام نموده است، ابلاغ شده باشد.

ماده 23

روش تحدید تعهد

1- تحدید تعهد، پذیرش صریح، و یا مخالفت نسبت به آن باید کتباً تنظیم شود و به کشورهای متعاهد و سایر کشورهای که حق پیوستن به آن معاهده را دارند ابلاغ گردد.

2 - در صورتی که تحدید تعهد در هنگام امضای مشروط به تنفیذ یا قبول یا تصویب صورت گرفته باشد، لازم است کشوری که به تحدید تعهد اقدام می‌کند، هنگام اعلام رضایت به التزام در قبال معاهده، اقدام خود را رسماً تأیید نماید. در چنین

موردي، تاريخ تحديد تعهد ه مان تاريخ
تأيد در نظر گرفته خواهد شد.
3- اگر قبولي صريح يا مخالفت با
تحديد تعهد قبل از تأيد تحديد تعهد
به عمل آمده باشد، احتياجي به تأيد
مجدد آن قبولي يا مخالفت نيست.
4 - انصراف از تحديد تعهد با مخالف
با آن بايد كتباً تنظيم شود.

فصل سوم: لازم الاجرا شده و اجراي موقت

معاهدات

ماده 24

لازم الاجرا شدن معاهدات

1- يك معاهده به صورت و در تاريخي
که در معاهده مقرر شده است و يا به
طريقي که کشورهاي مذاکره کننده توافق
کرده باشند، لازم الاجرا ميگردد.
2- در صورتي که معاهده اين امر را
مقرر نکرده يا توافقي در اين مورد نشده
باشد، معاهده به محض آنکه تمام کشورهاي
مذاکره کننده رضایت خود به التزام در
قبال آن را اعلام کنند، لازم الاجرا
ميگردد.

3- در صورتی که اعلام رضایت يك کشور به التزام در قبال يك معاهده در تاریخی بعد از تاریخ لازم الاجرا شده معاهده صورت گیرد، معاهده برای آن کشور از زمان تاریخ مؤخر لازم الاجرا خواهد بود مگر در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر کرده باشد.

4- مقررات معاهده ناظر بر تأیید اعتبار متن آن، ثبوت رضایت کشورها به التزام نسبت به معاهده، نحوه و تاریخ لازم الاجرا شدن، تحدید تعهد، وظایف امین و سایر موضوعاتی که لزوماً قبل از لازم الاجرا شدن معاهده مطرح می‌شود، از زمان پذیرفتن متن معاهده لازم‌الرعايه خواهند بود.

ماده 25

اجرای موقت

1- يك معاهده یا قسمتی از آن در صورتی قبل از لازم الاجرا شدن آن موقتاً اجرا خواهد شد که:

الف - معاهده خود چنین امری را مقرر نماید؛ یا

ب - کشورهای مذاکره‌کننده به طریق دیگری در این مورد توافق کرده باشند.
2- به‌جز در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر نماید و یا کشورهای مذاکره‌کننده به‌نحو دیگری توافق کرده باشند، در صورتی‌که کشوری به کشورهای دیگری که مابین آنها معاهده موقتاً اجرا می‌شود اطلاع بدهد که قصد پیوستن به معاهده را ندارد، اجرای موقت معاهده یا قسمتی از آن در ارتباط با کشور مذکور متوقف خواهد شد.

بخش سوم

رعایت، اجرا و تفسیر معاهدات

فصل اول

رعایت معاهدات

ماده 26

الزام آور بودن معاهدات 1

هر معاهده لازم الاجرائي براي طرفه‌هاي آن تعهدآور است و بايد توسط آنها به حُسن نيت اجرا گردد.

ماده 27

حقوق داخلي و رعايت معاهدات

يك طرف معاهده نمي‌تواند به حقوق داخلي خود به‌عنوان توجيهي براي قصور خود در اجراي معاهده استناد نمايد. اين قاعده تأثيري بر ماده 46 نخواهد داشت.

فصل دوم: اجراي معاهدات

ماده 28

عطف با ماسبق نشده معاهدات

به استثناي موراردي كه از معاهده و يا از طريق ديگر قصد ديگري استنباط شود، مقررات يك معاهده براي يك طرف در ارتباط با عمل حقوقي يا واقعه‌اي كه قبل از تاريخ لازم‌الاجرا شدن معاهده صورت گرفته يا وضعيتي كه قبل از لازم‌الاجرا شدن معاهده خاتمه يافته باشد، تعهدآور نيست.

ماده 29

قلمرو سرزمینی معاهدات

به استثنای مواردی که از معاهده یا از طریق دیگر قصد دیگری استنباط شود، معاهده برای هر طرف در تمامی قلمرو وی تعهدآور است.

ماده 30

اجرای معاهدات متعاقب یکدیگر که ناظر بر موضوع واحد باشند

1- با رعایت ماده 103 منشور ملل متحد، حقوق و تعهدات کشورهای طرف معاهداتی که متعاقب یکدیگر و در خصوص موضوع واحدی منعقد می‌گردند طبق بندهای زیر تعیین خواهد شد.

2- در موردی که معاهده‌ای تصریح کند که مشمول یک معاهده قبلی یا بعدی است و یا آنکه نباید مغایر با معاهده قبلی یا بعدی محسوب شود، مقررات آن معاهده دیگر [قبلی یا بعدی] ملاک خواهد بود.

3- در موردی که همه طرفهای معاهده قبلی طرفهای معاهده بعدی نیز باشند ولی معاهده قبلی فسخ نشده و یا اجرای آن به موجب ماده 59 معلق نشده باشد، معاهده قبلی فقط تا حدودی اجرا می شود که مفاد آن با معاهده بعدی منطبق باشد.

4- در موردی که طرفهای معاهده بعدی شامل همه طرفهای معاهده قبلی نباشند:
الف - بین کشورهای طرف هر دو معاهده، قاعده مذکور در بند 3 رعایت خواهد شد؛

ب - بین کشوری که طرف هر دو معاهده است و کشوری که فقط طرف یکی از آنها است، معاهده ای که هر دو کشور طرف آن هستند، حاکم بر حقوق و تعهدات مشترک آنها خواهد بود.

5 - بند 4 فوق تأثیری بر ماده 41، یا بر هر مسئله مربوط به فسخ یا تعلیق اجرای یک معاهده طبق ماده 60 و یا بر هر مسئله مربوط به مسئولیت که ممکن است برای یک کشور به سبب انعقاد یا اجرای معاهده ای که مقررات آن مغایر تعهدات آن کشور در قبال یک کشور دیگر در چارچوب

معاهده اي ديگر باشد، پيش آيد، نخواهد داشت.

فصل سوم: تفسير معاهدات

ماده 31

قاعده كلي تفسير

- 1- يك معاهده با حُسن نيت و منطبق با معنای معمولی‌اي که باید به اصطلاحات آن در سياق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسير خواهد شد.
- 2- به منظور تفسير يك معاهده، سياق عبارت، علاوه بر متن که شامل مقدمه و ضامم نیز می‌شود، مشتمل است بر:
 - الف - هرگونه توافق مربوط به معاهده که بین کلیه طرفهای معاهده در ارتباط با انعقاد آن حاصل شده است؛
 - ب - هر نوع سندی که توسط يك یا چند طرف در ارتباط با انعقاد معاهده تنظیم شده و توسط طرفهای دیگر به عنوان سندی مربوط به معاهده پذیرفته شده است.
- 3- همراه با سياق عبارت، به موارد زیر نیز توجه خواهد شد:

الف - هرگونه توافق آتی بین طرفهای
معاهده در خصوص تفسیر معاهده یا اجرای
مقررات آن؛

ب - هر نوع رویه بعدی در اجرای
معاهده که مؤید توافق طرفهای معاهده در
خصوص تفسیر آن باشد؛

ج - هر قاعده مرتبط حقوق بین الملل
که در روابط بین طرفهای معاهده قابل
اجرا باشد.

4- در صورتی که ثابت شود قصد طرفهای
معاهده معنای خاصی از یک اصطلاح بوده
است، همان معنی به اصطلاح مزبور داده
خواهد شد.

ماده 32

وسائل تکمیلی تفسیر

از وسائل تکمیلی تفسیر، من جمله
کارهای مقدماتی و اوضاع و احوال ناظر
بر انعقاد معاهده می توان به منظور تأیید
معنای متخذ از اجرای ماده 31، و یا
تعیین معنای معاهده در صورتی که تفسیر
آن طبق ماده 31،

الف - معنای مبهم یا بی‌مفهوم القا کند؛ یا
ب - منجر به نتیجه‌ای شود که آشکارا بی‌مفهوم یا نامعقول باشد، استفاده نمود.

ماده 33

تفسیر معاهداتی که به دو یا چند زبان اعتبار دارند

1- وقتی که اعتبار معاهده‌ای به دو یا چند زبان تصدیق شده باشد، متن آن در هر یک از آن زبانها به‌نحو یکسان معتبر خواهد بود مگر آنکه معاهده مقرر نماید، یا طرفهای معاهده توافق‌کننده که در صورت اختلاف، متن معینی ملاک خواهد بود.

2- متن معاهده به زبانی غیر از زبانهایی که اعتبار متن معاهده به آنها تصدیق شده است تنها در صورتی معتبر محسوب خواهد شد که معاهده آن را پیش‌بینی کرده باشد، یا طرفهای متعاقد آنگونه توافق کرده باشند.

3- اصل بر این است که اصطلاحات يك معاهده در تمامی آن، دارای معنای واحدی هستند.

4- به جز موردی که متن خاصی به موجب بند 1 ملاک قرار گیرد، چنانچه مقایسه متون معتبر معاهده اختلافی را در معنی نشان دهد که از طریق اعمال مواد 31 و 32 قابل رفع نباشد، معنایی برگزیده خواهد شد که نظر به موضوع و هدف معاهده بهترین تلفیق را بین متون مزبور برقرار می‌سازد.

فصل چهارم: معاهدات و کشورهای ثالث

ماده 34

قاعده کلی در ارتباط با کشورهای ثالث

يك معاهده براي کشور ثالث بدون رضایت وي تعهدات يا حقوقی ایجاد نمی‌کند.

ماده 35

معاهداتی که برای کشورهای ثالث تعهداتی ایجاد می‌کنند

مقررات يك معاهده در صورتی برای يك کشور ثالث ایجاد تعهد می‌نماید که قصد طرفهای معاهده ایجاد تعهد برای آن کشور از طریق مقررات مزبور باشد و کشور ثالث کتباً و به‌طور صریح آن را بپذیرد.

ماده 36

معاهداتی که برای کشورهای ثالث حقوقی ایجاد می‌نمایند

1- مقررات يك معاهده در صورتی برای يك کشور ثالث ایجاد حق می‌نماید که قصد طرفهای معاهده از مقررات مزبور اعطای آن حق به کشور ثالث، یا به گروهی از کشورها که کشور ثالث بدان تعلق دارد، یا به همه کشورها باشد و خود کشور ثالث

نیز با آن موافقت نماید. تا زمانی که خلاف آن احراز نشود، اصل، رضایت کشور ثالث است مگر آنکه معاهده ترتیب دیگری مقرر نماید.

2- کشوری که در اجرای بند 1 حقی را اعمال می‌کند باید در این خصوص شرایط پیش‌بینی شده در معاهده یا شرایطی را که در انطباق با معاهده ثابت است، رعایت کند.

ماده 37

رجوع یا جرح و تعدیل تعهدات یا حقوق کشورهای ثالث

1- در موردی که به موجب ماده 35 تعهدی برای یک کشور ثالث ایجاد شده باشد، تعهد مزبور تنها با رضایت طرفهای معاهده و کشور ثالث قابل رجوع یا جرح و تعدیل خواهد بود مگر آنکه ثابت آنها در خصوص ترتیب دیگری توافق کرده اند.

2- در موردی که طبق ماده 36 حقی برای یک کشور ثالث ایجاد شده باشد، چنانچه ثابت شود که مقصود این بوده است که از آن حق رجوع نشود و یا بدون رضایت

کشور ثالث جرح و تعدیل نشود، طرفه‌های
معاهده نمی‌توانند از آن حق رجوع و یا
در آن جرح و تعدیل نمایند.

ماده 38

قواعدی در معاهده که براساس عرف
بین‌المللی
برای کشور ثالث الزام‌آور می‌شوند

هیچ‌کدام از ترتیبات مواد 34 تا 47
مانع از آن نیست که یک قاعده مندرج در
یک معاهده که به‌عنوان یک قاعده عرفی در
حقوق بین‌الملل شناخته شده است، برای
کشوری ثالث الزام‌آور گردد.

بخش چهارم

اصلاح و جرح و تعدیل معاهدات

ماده 39

قاعده کلی مربوط به اصلاح معاهدات

یک معاهده با موافقت طرفه‌های معاهده
قابل اصلاح می‌باشند. جز در مواردی که

معاهده ترتیب دیگری را معین کرده باشد، قواعد بخش دوم در خصوص چنین توافقی مجری خواهد بود.

ماده 40

اصلاح معاهدات چندجانبه

1- جز در مواردی که معاهده ترتیب دیگری را معین نموده باشد، اصلاح معاهدات چندجانبه تابع مقررات بندهای زیر است.

2- هر نوع پیشنهاد اصلاح معاهده چندجانبه بین تمامی طرفهای معاهده باید به همه کشورهای متعاقد ابلاغ شود و هر کدام از آنها حق خواهد داشت در امور زیر شرکت کند:

الف - اتخاذ تصمیم در خصوص اقدامی که می‌یابد در ارتباط با آن پیشنهاد صورت گیرد؛

ب - مذاکره و انعقاد هر نوع موافقتنامه‌ای برای اصلاح معاهده.

3- هر کشوری که حق الحاق به معاهده‌ای را داشته باشد، حق الحاق به معاهده اصلاح شده را نیز خواهد داشت.

4— موافقتنامه مربوط به اصلاح،
کشوری را که قبلاً طرف معاهده بوده ولی
به موافقتنامه مزبور ملحق نمی‌شود،
متعهد نمی‌کند. بند 4 «ب» ماده 30 در
مورد این چنین کشوری مجری خواهد بود.
5— هر کشوری که پس از لازم‌الاجرا شدن
موافقتنامه اصلاحی، به معاهده ملحق شود،
در صورتی‌که قصدی خلاف آن اظهار نکند:
الف — طرف معاهده اصلاح شده محسوب
خواهد شد؛ و
ب — در قبال هر طرف معاهده‌ای که
تعهدی در قبال موافقتنامه اصلاحی ندارد،
طرف معاهده اصلاح نشده محسوب خواهد شد.

ماده 41

موافقتنامه‌های جرح و تعدیل معاهدات چندجانبه

که فقط بین بعضی از طرفها منعقد می‌گردد

1— دو یا چند طرف يك معاهد
چندجانبه فقط در صورتی می‌توانند
موافقتنامه‌ای برای جرح و تعدیل معاهده
بین خود منعقد کنند که:

الف - امکان چنین جرح و تعدیلي توسط معاهده پیش‌بینی شده باشد؛ یا

ب - معاهده، جرح و تعدیل مزبور را ممنوع ننموده باشد مشروط بر اینکه:

(1) جرح و تعدیل تأثیری در استفاده از حقوق سایر طرفهای معاهده، طبق معاهده، و یا در انجام تعهدات آنان نداشته باشد؛ و

(2) جرح و تعدیل مزبور به ترتیباتی از معاهده مربوط نشود که تخلف از آنها با اجرای مؤثر موضوع و هدف معاهده در کلیت آن، مبیانت داشته باشد.

2- در خصوص مورد مشمول بند 1 «الف»، جز در مواردی که معاهده ترتیب دیگری را مقرر نماید، طرفهای مورد بحث باید قصد خود مبنی بر انعقاد موافقتنامه و همچنین جرح و تعدیلات ناشی از موافقتنامه را به سایر طرفهای معاهده ابلاغ نمایند.

بخش پنجم

بی‌اعتباری، فسخ و تعلیق اجرای معاهدات

فصل اول: ترتیبات کلی

ماده 42

اعتبار و ادامه نفوذ معاهدات

1- اعتبار يك معاهده يا رضایت يك کشور به التزام در قبال يك معاهده تنها از طريق اعمال عهدنامه حاضر قا بل اعتراض مي‌باشد.

2- فسخ يا رد يك معاهده، يا خروج يك طرف از آن تنها براساس اعمال مقررات همان معاهده يا عهدنامه حاضر صورت مي‌گیرد. همين قاعده در مورد تعليق اجراي يك معاهده مجري است.

ماده 43

تعهدات ناشي از حقوق بين‌الملل و مستقل از يك معاهده

بي‌اعتباري، فسخ، يا رد يك معاهده و نیز خروج يکي از طرفهاي معاهده يا تعليق اجراي آن که ناشي از اعمال عهدنامه حاضر يا مقررات خود معاهده باشد، به‌هیچ‌وجه تأثيري در وظیفه يك کشور در انجام تعهدات مندرج در معاهده

که طبق حقوق بین‌الملل و مستقل از معاهده مزبور ملزم به رعایت آنها است، نخواهد داشت.

ماده 44

تفکیک‌پذیری مقررات معاهده

1- هر طرف می‌تواند حق خود را دایر بر رد، یا خروج از یک معاهده، یا تعلیق اجرای آن که ناشی از مقررات معاهده یا ماده 56 عهدنامه حاضر باشد، تنها در خصوص تمامی معاهده اعمال کند مگر آنکه معاهده مزبور ترتیب دیگری را مقرر نماید یا طرفهای معاهده به‌نحو دیگری توافق کنند.

2- استناد به مبنای بی‌اعتباری، فسخ، یا خروج از یک معاهده و یا تعلیق اجرای آنکه طبق عهدنامه حاضر پذیرفته شده باشد، جز در شرایط پیش‌بینی شده در بندهای ذیل یا ماده 60، فقط می‌تواند نسبت به تمامی معاهده انجام گیرد.

3- اگر مبنای مورد بحث فقط به مواد مشخصی مرتبط باشد، تنها در خصوص همان

مواد مي‌توان به آن استناد کرد منوط به اينکه:

الف - مواد مزبور از حيث اجرا از بقيه معاهده قابل تفكيك باشند؛

ب - از معاهده بتوان استنباط کرد يا به نحو ديگري ثابت شود که پذيرش مواد مورد بحث مبناي اساسي رضايت طرف يا طرفهاي ديگر به التزام نسبت به کل معاهده نبوده است؛ و

ج - ادامه اجراي بقيه ترتيبات معاهده غير عادلانه نباشد.

4- در موارد مشمول مواد 49 و 50، كشوري که حق استناد به تقلب يا ارتشا را دارد مي‌تواند حق مزبور را چه نسبت به تمای معاهده و چه با در نظر گرفته بند 3 نسبت به تنها بعضي از مواد مشخص اعمال کند.

5- در موارد مشمول مواد 51، 52 و 53، تفكيك مقررات معاهده مجاز نيست.

ماده 45

از دست دادن حق استناد به مباني بي‌اعتباري، فسخ،

يا خروج از يك معاهده يا تعليق اجراي آن

يك کشور نمی‌تواند بر مبنایي براي
بي‌اعتباري، فسخ، يا خروج از يك معاهده،
يا تعليق اجراي آن، به‌موجب مواد 46 تا
50 يا مواد 60 و 62 استناد نماید اگر پس
از آگاهی از واقعیات:

الف - صریحاً قبول کرده باشد که،
حسب مورد، معاهده معتبر با لازم‌الاجرا
بوده و اجراي آن می‌تواند ادامه یابد؛
يا

ب - به‌دلیل نحوه رفتارش باید آن
کشور را، حسب مورد، موافق يا اعتبار يا
ادامه نفوذ يا اجراي معاهده، محسوب
داشت.

فصل دوم: بي‌اعتباري معاهدات

ماده 46

مقررات حقوق داخلي در خصوص صلاحيت انعقاد معاهدات

1- يك کشور نمی‌تواند با تکیه بر این واقعیت که اعلام رضایت وی به التزام در قبال يك معاهده تجاوزی نسبت به مقررات حقوق داخلي وی در خصوص صلاحیت انعقاد معاهدات بوده است، به بی‌اعتباری رضایت خود استناد نماید مگر آنکه تجاوز مزبور بارز بوده و به قاعده‌ای از حقوق داخلي مربوط شود که دارای اهمیت اساسی است.

2- تجاوز وقتی بارز است که بر کشوری که طبق رویه مشمول و حُسن‌نیت در این مورد عمل کرده است، به‌طور عینی روشن باشد.

ماده 47

محدودیت‌های خاص در اختیارات لازم برای اعلام رضایت يك کشور

اگر اختیار يك نماينده براي اعلام رضایت يك کشور به التزام در قبال معاهده اي معين موضوع محدودیت خاص واقع شود، عدم رعایت این محدودیت توسط نماينده مزبور نمی‌تواند به‌عنوان بی‌اعتباري رضایت ابراز شده مورد استناد واقع شود مگر آنکه پیش از اعلام رضایت، این محدودیت به آگاهی دیگری دولتهای طرف مذاکره رسیده باشد.

ماده 48

اشتباه

1- در صورتی‌که اشتباه به واقعیت یا وضعیتی مربوط باشد که به تصور يك کشور در زمان انعقاد معاهده موجود بوده است و این امر مبنای اساسی رضایت وي به التزام نسبت به معاهده را تشکیل داده باشد، آن کشور می‌تواند به‌عنوان بی‌اعتبار بودن رضایت خود به التزام نسبت به معاهده، به اشتباه استناد کند.

2- چنانچه کشور مزبور با رفتار خود به بروز اشتباه کمک کرده باشد یا اوضاع و احوال به گونه ای باشد که وی میباید از امکان اشتباه آگاه میبود، بند 1 ناظر بر موضوع نخواهد بود.

3- اشتباهی که منحصراً مربوط به عبارت متن معاهده می شود، تأثیری در اعتبار آن ندارد و در آن صورت مفاد ماده 79 حاکم خواهد بود.

ماده 49

تقلب

هرگاه کشوری بر اثر رفتار متقلبانه کشور دیگر طرف مذاکره معاهده ای منعقد سازد، می تواند به عنوان بی اعتبار بودن رضایت خود به التزام در قبال معاهده به تقلب استناد نماید.

ماده 50

ارتشاي⁶ نماينده يك کشور

هرگاه اعلام رضایت کشوري به التزام در قبال يك معاهده از طريق رشوه به نماينده وي، خواه به طور مستقيم يا به طور غيرمستقيم و توسط يك کشور ديگر طرف مذاکره، تحصيل شده باشد، کشور مزبور مي تواند به عنوان بي اعتبار بودن رضایت خود به التزام در قبال معاهده، به ارتشا استناد نمايد.

ماده 51

اجبار نماينده يك کشور

اگر اعلام رضایت يك کشور به التزام در قبال يك معاهده بر اثر اجبار نماينده آن کشور از طريق اقدامات يا تهديدات عليه او تحصيل شده باشد داراي هيچگونه اثر حقيقي نيست.

ماده 52

اجبار يك کشور به وسيله تهديد يا اعمال زور

6. Corruption.

معاهده‌اي كه انعقاد آن به وسيله
تعهد يا اعمال زور و در نقض اصول حقوق
بين‌الملل مندرج در منشور ملل متحد
تحصيل شده باشد، باطل خواهد بود.

ماده 53

معاهدات متعارض با يك قاعده آمره حقوق بين‌الملل عام (قواعد آمره)⁷

معاهده‌اي كه در زمان انعقاد با يك
قاعده آمره حقوق بين‌الملل عام در تعارض
باشد، باطل است. به منظور عهدنامه حاضر،
قاعده آمره حقوق بين‌الملل عام قاعده‌اي
است كه به وسيله اجماع جامعه بين‌المللي
كشورها به عنوان قاعده‌اي تخلفناپذير كه
تنها توسط يك قاعده بعدي حقوق بين‌الملل
عام با همان ويژگي قابل تعديل مي‌باشد،
پذيرفته و به رسميت شناخته شده است.

فصل سوم: فسخ و تعليق اجراي معاهدات

7. Jus cogens.

ماده 54

فسخ يك معاهده يا خروج از آن به موجب مقررات معاهده يا با وضعيت طرفهاي معاهده

فسخ معاهده يا خروج يك طرف از آن
به طرق ذيل ممكن خواهد بود:
الف - به موجب مقررات معاهده؛ يا
ب - در هر زمان، با رضایت کلیه
طرفها پس از مشاوره با دیگر کشورهای
متعاقد.

ماده 55

کاهش تعداد کشورهای طرف يك معاهده چندجانبه به کمتر از تعداد لازم جهت لازم الاجرا شدن آن

جز در مواردی که معاهده ترتیب
دیگری را مقرر نماید، یک معاهده
چندجانبه تنها به این دلیل که تعداد
طرفهای آن به کمتر از تعدادی که برای
لازم الاجرا شدن آن ضرورت دارد، تقلیل
یافته است، خاتمه نمی‌یابد.

ماده 56

رد یا خروج از معاهده‌ای که حاوی
مقرراتی در خصوص
فسخ، رد یا خروج از آن نیست

- 1- معاهده‌ای که در آن مقررات مربوط
به فسخ وجود ندارد و رد یا خروج از آن
پیش‌بینی نشده است، قابل رد نیست و
نمی‌توان از آن خارج شد مگر آنکه:
الف - مسلم شود که طرف‌های معاهده
قصد داشته‌اند امکان رد یا خروج از آن
را بپذیرند؛ یا
ب - ماهیت معاهده به‌گونه‌ای باشد که
بتوان حق رد یا خروج از آن را استنباط
کرد.
- 2- قصد رد معاهده یا خروج از آن
طبق بند 1، باید لااقل دوازده ماه پیش
از رد یا خروج ابلاغ شود.

ماده 57

تعليق اجرائي يك معاهده طبق مقررات
معاهده

یا به موجب رضایت طرفهای آن

اجرای یک معاهده را در قبال همه طرفهای معاهده یا یک طرف خاص معاهده می‌توان در موارد ذیل معلق کرد:

الف - طبق مقررات خود معاهده؛ یا

ب - در هر زمان، با رضایت کلیه طرفهای معاهده پس از مشاوره با دیگر کشورهای متعاهد.

ماده 58

تعلیق اجرای یک معاهده چندجانبه
به موجب توافق فقط بعضی از طرفهای
معاهده

1- دو یا چند طرف یک معاهده چندجانبه می‌توانند موافقتنامه‌ای منعقد ساخته و اجرای مقررات عهدنامه را موقتاً و تنها بین خود به حال تعلیق درآورند اگر:

الف - امکان چنین تعلیقی در خود معاهده پیش‌بینی شده باشد؛ یا

ب - تعلیق مورد بحث به‌مورد معاهده ممنوع نگردیده باشد، مشروط بر اینکه:

(1) تعلیق اجرای معاهده به استفاده حقوق دیگر طرفهای معاهده، طبق معاهده، آسیب نرسانده و مانع از انجام تعهدات آنان نگردد؛ و
(2) با موضوع و هدف معاهده میانیت نداشته باشد.

2- در موارد مشمول بند 1 «الف»، چنانچه معاهده ترتیب دیگری معین نکرده باشد، طرفهای مورد بحث باید دیگر طرفهای معاهده را از قصد خود مبني بر انعقاد موافقتنامه و از آن دسته از مقررات معاهده که قصد تعلیق اجرای آنها را دارند مطلع نمایند.

ماده 59

فسخ یا تعلیق تلویحی اجرای یک معاهده به سبب انعقاد معاهده مؤخر

1- وقتی که کلیه طرفهای یک معاهده به انعقاد معاهده مؤخری در خصوص موضوع واحد مبادرت می‌روزند، معاهده مقدم فسخ شده محسوب خواهد شد اگر:
الف - از معاهده مؤخر استنباط شود یا به نحو دیگری مسلم شود که قصد طرفها

این بوده است که موضوع تابع مقررات معاهده مؤخر باشد؛ یا

ب - مقررات معاهده مؤخر به گونه ای با مقررات معاهده مقدم غیرقابل انطباق باشد که اجرای همزمان هر دو معاهده غیرممکن باشد.

2- اگر از مفاد معاهده مؤخر استنباط شود، یا به نحو دیگری ثابت شود که قصد دول متعاهد تنها تعلیق معاهده مقدم بوده است، فقط اجرای معاهده مزبور معلق تلقی خواهد گردید.

ماده 60

فسخ يك معاهده يا تعليق اجراي آن در نتیجه نقض

1- نقض اساسي يك معاهده دو جانبه از سوي يكي از طرفين، طرف ديگر معاهده را مجاز مي‌دارد تا به نقض مزبور

به‌عنوان مبنای فسخ، یا تعلیق کامل یا بخشی از آن استناد نماید.

2- نقض اساسی یک معاهده چندجانبه توسط یکی از طرفهای معاهده:

الف - به دیگر طرفهای معاهده حق می‌دهد تا با موافقت جمعی به تعلیق اجرای تمام یا بخشی از معاهده اقدام کنند، و یا نسبت به فسخ آن:

(1) خواه در روابط بین خود از سویی و

کشور متخلف از سوی دیگر؛ و یا

(2) در روابط بین تمامی کشورهای

امضاکننده مبادرت نمایند؛

ب - به طرفی که به‌ویژه از نقض معاهده زیان‌دیده است حق می‌دهد تا با استناد به آن، تمام یا بخشی از اجرای معاهده را در روابط بین خود و کشور مختلف به حال تعلیق درآورد؛

ج - به هر یک از طرفهای معاهده به استثنای کشور متخلف حق می‌دهد تا با استناد به آن، اجرای تمام یا بخشی از معاهده را در ارتباط با خود معلق نماید، به شرط آنکه ماهیت معاهده به‌گونه‌ای باشد که نقض اساسی مقررات آن

توسط يك طرف، وضعیت هر کدام از طرفه‌هاي ديگر را در اجراي بعدي تعهدات وي که از معاهده ناشي مي‌شوند، از پايه دگرگون سازد.

3- به منظور ماده حاضر، نقض اساسي يك معاهده تشکيل مي‌شود از:

الف - اعراض از معاهده به طريقي که مورد تأييد عهدنامه حاضر نباشد؛ يا
ب - تخلف از مقرراتي که براي تحقق موضوع يا هدف معاهده اساسي باشد.

4- بندهاي اخير به اعتبار هيچک از مقررات معاهده که در صورت نقض معاهده نیز مجري خواهند بود، آسيب نمي‌رسانند.

5- بندهاي 1 تا 3 فوق، بر مقررات مربوط به حمايت از افراد انسان که در معاهداتي که جنبه بشردوستانه دارند گنجانيده مي‌شود، خصوصاً مقرراتي که ناظر بر منع اقدامات تلافيجويانه عليه اشخاص مورد حمايت معاهدات مزبور است، جاري نمي‌باشند.

ماده 61

حدوث شرايطي که اجراي معاهده را
غيرممکن مي‌کنند

1- اگر عدم امکان اجرای معاهده ناشی از محو یا انهدام دائمی موضوعی باشد که برای اجرای معاهده اجتنابناپذیر باشد، هر طرف معاهده می‌تواند به عدم امکان اجرای معاهده به‌عنوان مبنای فسخ معاهده یا خروج از آن استناد نماید. چنانچه عدم امکان اجرا موقت باشد، تنها می‌توان برای تعلیق اجرای معاهده به آن استناد کرد.

2- عدم امکان اجرای معاهده نمی‌تواند به‌عنوان مبنای فسخ یا خروج از یک معاهده و یا تعلیق اجرای آن مورد استناد یک طرف قرار گیرد هرگاه عدم امکان، خود ناشی از نقض تعهدات معاهده یا نقض هر تعهد دیگر بین‌المللی در قبال طرفهای دیگر معاهده، از سوی طرف متخلف باشد.

ماده 62

تغییر اساسی اوضاع و احوال

1- تغییر اساسی در اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد معاهده که حدوث

آن توسط طرفه‌های معاهده پیش‌بینی نشده باشد، نمی‌تواند به‌عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده مورد استناد قرار گیرد مگر آنکه:

الف - وجود اوضاع و احوال مزبور مبنای اساسی رضایت طرفه‌های معاهده به التزام نسبت به معاهده باشد؛ و

ب - اثر این تغییر، دگرگونی اساسی در ابعاد تعهداتی باشد که به‌موجب معاهده هنوز می‌باید اجرا شوند.

2- در موارد ذیل، تغییر اساسی اوضاع و احوال نمی‌تواند به‌عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده مورد استناد واقع شود:

الف - اگر معاهده‌ای باشد که مرز را تعیین می‌نماید؛ یا

ب - اگر تغییر اساسی ناشی از نقض تعهدات معاهده، یا نقض هر تعهد دیگر بین‌المللی در قبال طرفه‌های دیگر معاهده، از سوی طرفی باشد که به آن تغییر استناد می‌کند.

3- اگر به‌موجب یکی از بندهای اخیرالذکر، یکی از طرفه‌های معاهده حق داشته باشد که به تغییر اساسی اوضاع و

احوال به‌عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده استناد نماید، مضافاً حق خواهد داشت تا به آن تغییر به‌عنوان مبنای تعلیق اجرای معاهده نیز استناد کند.

ماده 63

قطع روابط دیپلماتیک یا کنسولی

جز در مواردی که وجود روابط دیپلماتیک یا کنسولی برای اجرای معاهده اجتناب‌ناپذیر باشد، قطع روابط دیپلماتیک یا کنسولی بین طرفهای معاهده تأثیری در روابط حقوقی آنها که به‌موجب معاهده برقرار شده است، نمی‌گذارد.

ماده 64

تأسیس یک قاعده آمره جدید حقوق

بین‌الملل عام

(قواعد آمره)

اگر يك قاعده آمره جديد حقوق
بين الملل عام تأسيس گردد، هر معاهده
موجودي كه در تعارض با قاعده مزبور
باشد، باطل و منفسخ ميگردد.

فصل چهارم : روشها

ماده 65

روشي كه بايد در موارد بي اعتباري،
فسخ، يا خروج از يك معاهده و يا تعليق
آن تبعيت گردد.

1- طرفي كه براساس مقررات عهدنامه
حاضر به عيبي در اعلام قصد خود دابر بر
التزام نسبتبه يك معاهده، يا به مبناي

دیگری برای نفي اعتبار معاهده استناد کند تا آن را فسخ نماید، یا خروج خود از آن را اعلام داشته و یا اجرایش را معلق گرداند، باید دیگر طرفهای معاهده را از ادعایش آگاه کند. در این اخطار، اقداماتی که به پیشنهاد وی می‌باید انجام گیرد و دلایل آنها باید مشخص گردند.

2- اگر پس از انقضای مهلتی که به استثنای موارد فوری خاص کمتر از سه ماه از زمان دریافت اخطار مزبور نخواهد بود، هیچیک از طرفهای معاهده اعتراضی نکند، طرفی که اقدام به اخطار کرده است میتواند به نحوی که در ماده 67 مقرر شده در مورد عمل به پیشنهادش اقدام نماید.

3- اگر از جانب دیگر هر یک از طرفهای معاهده اعتراضی مطرح سازد، طرفهای معاهده باید با توسل به طرق مذکور در ماده 33 منشور ملل متحد، راه‌حلی را جستجو نمایند.

4- هیچیک از بندهای اخیر در حقوق یا تعهدات طرفهای معاهده که ناشی از مقررات لازم‌الاجرای باشد که آنها را در

خصوص حل و فصل اختلافاتشان متعهد می‌کند،
تأثیری نخواهد داشت.

5- با حفظ مفاد ماده 45، اینکه کشوری
اخطار مورد اشاره در بند 1 را ارسال
نکرده باشد مانع از این نیست که در
پاسخ به طرف دیگری که خواستار اجرای
معاهده یا مدعی نقض آن است، به اخطار
مزبور مبادرت نماید.

ماده 66

روشهای حل و فصل قضایی، داوری و سازش

اگر، به موجب بند 3 ماده 65، پس از
دوازده ماه از تاریخ اعلام اعتراض هیچ
راه‌حلی یافت نشده باشد، از روشهای ذیل
پیروی خواهد شد:

الف - هر طرف اختلاف در رابطه با
اجرا یا تفسیر مواد 53 یا 64 می‌تواند
به موجب يك دادخواست کتبی، دعوی را
به منظور اتخاذ تصمیم در دیوان
بین‌المللی دادگستری مطرح نماید مگر
آنکه طرفهای اختلاف با رضایت مشترک
توافق نمایند که آن را به داوری ارجاع
کنند؛

ب - هر طرف اختلاف در رابطه با اجرا يا تفسير يکي ديگر از مواد بخش پنجم عهدنامه حاضر، مي‌تواند با تسليم تقاضايي در اين خصوص به دبیرکل سازمان ملل متحد، روشي را که در ضميمه عهدنامه حاضر پيش بيني شده است، تعقيب کند.

ماده 67

اسناد اعلام بي‌اعتباري، فسخ، يا خروج از يك معاهده
يا تعليق اجراي آن

- 1- اخطار مقرر در بند 1 ماده 65 بايد کتبي باشد.
- 2- هر اقدامي جهت اعلام بي‌اعتباري، فسخ، يا خروج از يك معاهده، با تعليق اجراي آن طبق مقررات آن معاهده يا مفاد بندهاي 2 يا 3 ماده 65، بايد از طريق سندی صورت گیرد که به ديگر طرفها منعکس شده باشد. اگر سند مزبور به وسيله رئيس کشور، رئيس دولت، يا وزير امور خارجه امضا نشده باشد، ممکن است از نماينده کشور ارسال‌کننده سند دعوت شود تا [سند] تام‌الاختيار بودن خود را ارائه نمايد.

ماده 68

استرداد اخطارها و اسناد مقرر در مواد
65 و 67

اخطار يا سندی که در مواد 65 و 67
پیش‌بینی شده است، در هر زمان پیش از
تاریخ نفوذ آن قابل استرداد می‌باشد.

فصل پنجم: آثار بی‌اعتباری، فسخ یا
تعلیق اجرای یک معاهده

ماده 69

آثار بی‌اعتبار یک معاهده

1— معاهده‌ای که عدم اعتبار آن
به‌موجب عهدنامه حاضر محقق شده است،
باطل می‌باشد. مقررات یک معاهده باطل
اعتبار حقوقی ندارد.

2— مع‌هذا در صورتی که با تکیه بر
چنان معاهده‌ای، اعمالی صورت گرفته
باشد:

الف - هر طرف مي‌تواند از طرف ديگر معاهده بخواهد تا آنجا كه ممكن است در روابط متقابل خود وضع را به‌گونه‌اي كه در غياب اعمال مزبور وجود مي‌داشت، اعاده نمايد؛

ب - اعطالي كه براساس حُسن نيت و قبل از آنكه بي‌اعتباري معاهده مورد استناد واقع شود انجام گرفته است، به صرف بي‌اعتباري معاهده مشروعيت خود را از دست نمي‌دهد.

3- در موارد مشمول مواد 49، 50، 51 يا 52، نسبتبه طرفي كه اعمال تقلب، ارتشا يا اجبار قابل انتساب به وي مي‌باشد، بند 2 فوق مجري نخواهد بود.

4- در صورت بي‌اعتباري رضاييت يك کشور مشخص به التزام نسبت به يك معاهده چندجانبه، مقررات اخيرالذکر در روابط فيمابين آن کشور با ديگر طرفهاي معاهد مجري خواهد بود.

ماده 70

آثار فسخ يك معاهده

1- جز در مواردی که معاهده ترتیب دیگری را مقرر نماید، یا طرفهای معاهده به نحو دیگری توافق کنند، فسخ یک معاهده به موجب مقررات آن یا طبق عهدنامه حاضر: الف - طرفهای معاهده را از تعهد ادامه اجرای آن معاف می‌نماید؛ ب - اثری بر حقوق، تکالیف، یا وضعیت حقوقی طرفهای معاهده که به دلیل اجرای معاهده و قبل از فسخ آن ایجاد شده است، نخواهد داشت.

2- وقتی که کشوری معاهده چندجانبه‌ای را رد می‌کند یا خروج خود را از آن اعلام می‌دارد، بند 1 در روابط بین آن کشور و هر یک از طرفهای دیگر معاهده، از تاریخ نفوذ آن رد یا خروج، مجری خواهد بود.

ماده 71

آثار بی‌اعتباری معاهده‌ای که با یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام در تعارض است

1- در مورد معاهده‌ای که طبق ماده 53 باطل باشد، طرفهای معاهده مکلفند:

اسناد بین‌المللی ❖ 293

الف - تا آنجا که ممکن است نتایج هر اقدامی را که با تکیه بر مقررات معاهده صورت گرفته و در تعارض با قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام باشد از بین ببرند؛ و

ب - روابط متقابل فیما بین را با قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام انطباق دهند.

2- در مورد معاهده‌ای که طبق ماده 64

باطل و منفسخ می‌گردد، انفساخ مزبور:

الف - طرفهای معاهده را از تعهد

ادامه اجرای آن معاف می‌نماید؛

ب - اثری بر حقوق، تکالیف، یا

وضعیت حقوقی طرفهای معاهده که به دلیل

اجرای معاهده و قبل از انفساخ ایجاد

شده باشد، نخواهد داشت. مع هذا از تاریخ

انفساخ به بعد، حقوق، تعهدات یا وضعیت

حقوقی مزبور تا حدی حفظ خواهند شد که

حفظ آنها بنفسه با قاعده آمره جدید

حقوق بین‌الملل عام تعارض نداشته باشد.

ماده 72

آثار تعلیق اجرای یک معاهده

1- جز در مواردی که معاهده ترتیب دیگری مقرر نماید یا طرفهای معاهده به نحو دیگری توافق کنند، تعلیق اجرای معاهده براساس مقررات آن یا به موجب عهدنامه حاضر:

الف- آن دسته از طرفهای معاهده را که بین آنها اجرای معاهده معلق شده است، در دوره تعلیق از تعهد اجرای معاهده در روابط متقابل معاف می‌نماید؛
ب- اضافه برآن، تأثیری در روابط حقوقی موجود بین طرفهای معاهده که به موجب معاهده بین آنها ایجاد شده است، نخواهد داشت.

2- در دوره تعلیق، طرفهای معاهده باید از انجام اقداماتی که مانع از سرگیری اجرای معاهده می‌شود، استنکاف ورزند.

بخش ششم: مقررات متفرقه

ماده 73

موارد جانشینی دولتها،⁸ مسئولیت دولت
یا شروع روابط خصمانه

مقررات عهدنامه حاضر به هیچ مسئله‌ای که ممکن است در ارتباط با یک معاهده از حیث جانشینی دولتها، یا به دلیل مسئولیت بین‌المللی یک دولت، یا به علت شروع روابط خصمانه بین کشورها مطرح شود، نمی‌پردازد.

ماده 74

روابط دیپلماتیک و کنسولی و انعقاد
معاهدات

قطع روابط دیپلماتیک یا کنسولی یا عدم وجود این‌گونه روابط بین دو یا چند

8. کلمه state در متن معاهده به کلمه «کشور» و در ماده فوق، در دو مورد، برحسب اقتضا به کلمه «دولت» ترجمه شده است.

کشور، مانع از انعقاد معاهده بین آن کشور نمی‌گردد. انعقد يك معاهده في نفسه تأثیری در وضعیت مربوط به روابط دیپلماتیک یا کنسولی ندارد.

ماده 75

وضع يك کشور متجاوز

تعهداتی که در ارتباط با يك معاهده ممکن است برای يك کشور متجاوز به سبب اقداماتی ایجاد گردند که منطبق با منشور ملل متحد در قبال تجاوز آن کشور صورت می‌گیرند، متأثر از مقررات عهدنامه حاضر نخواهند شد.

بخش هفتم

امناء،⁹ اخطارها، تصحیحات و ثبت معاهدات

ماده 76

امنائی معاهدات

⁹. Depositary.

1- تعیین امین برای معاهده ممکن است توسط کشورهای مذاکره‌کننده در خود معاهده یا به‌نحو دیگری صورت گیرد. امین می‌تواند یک یا چند کشور، یا سازمان بین‌المللی، یا بالاترین مقام اداری آن سازمان باشد.

2- وظایف امین معاهده خصوصیت بین‌المللی دارد، و امین موظف است در اجرای وظایف خود جانب بی‌طرفی را رعایت کند. به‌ویژه این واقعیت که معاهده در بین بعضی از طرفها لازم‌الاجرا نشده و یا اختلافی بین یک کشور با امین در خصوص اعمال وظایف او حاصل شده است، نباید در تعهد امین اثر بگذارد.

ماده 77

وظایف امین

1- جز در مواردی که معاهده ترتیب دیگری مقرر کرده باشد یا کشورهای طرف

معاهده به نحوي ديگر توافق نموده باشند، وظيفه امين خصوصاً مشتمل است بر: الف- نگاهداري متن اصلي معاهده و اسناد مربوط به اختيارات تامه اي كه به وي تحويل داده مي‌شود؛

ب - تهيه نسخه‌هاي مصدق از متن اصلي و تهيه متون ديگري از معاهده به زبانهاي اضافي ديگر مورد لزوم معاهده و انعكاس آنها به طرفهاي معاهده و به كشورهائي كه حق دارند به معاهده ملحق شوند؛

ج - دريافت كلييه امضاهاي معاهده، وصول و نگاهداري تمامي اسناد، اخبارها و مكاتبات مربوط به معاهده؛

د - بررسي صحت امضا يا صحت هرگونه سند، اخبار يا مكاتبه مربوط به معاهده و در صورت لزوم، جلب توجه كشور مورد نظر به موضوع؛

ه - مطلع ساختن طرفهاي معاهده و كشورهائي كه حق الحاق به معاهده را دارند از اقدامات، اخبارها و مكاتبات مربوط به معاهده؛

و- مطلع ساختن كشورهائي كه حق الحاق به معاهده را دارند از اينكه

امضاها یا اسناد تنفیذ، قبولی، تأیید
یا الحاق به تعدادی که برای لازم الاجرا
شدن معاهده مورد احتیاج است واصل یا
تحویل داده شده است؛

ز - ثبت معاهده در دبیرخانه سازمان
ملل متحد؛

ح - انجام وظایفی که در دیگر
مقررات عهدنامه حاضر معین گردیده است.

2- در صورتی که اختلاف نظری بین یک
کشور و امین در خصوص انجام وظایف امین
ظهور کند، امین باید مسئله را به اطلاع
کشورهای امضاکننده و کشورهای متعهد و
یا در صورت لزوم به آگاهی ارگان
صلاحیتدار سازمان بین‌المللی مربوطه
برساند.

ماده 78

اخطارها و مکاتبات

جز در مواردی که معاهده یا عهدنامه
حاضر ترتیب دیگری مقرر نماید، هر اخطار
یا مکاتبه‌ای که به موجب عهدنامه حاضر
توسط یک کشور انجام می‌گیرد:

الف - در صورتی که امینی وجود نداشته باشد، مستقیماً به کشور مخاطب، و در صورت وجود امین، مستقیماً به وی منعکس خواهد شد؛

ب - تنها در صورتی توسط کشور مورد بحث ابلاغ شده محسوب خواهد شد که توسط کشور مخاطب و یا در موارد مقتضی توسط امین دریافت شده باشد؛

ج - در صورت انعکاس به امین، فقط از زمانی ابلاغ شده به کشور مخاطب تلقی خواهد شد که کشور مزبور اطلاع مقرر در بند 1 «ه» از ماده 77 را توسط امین دریافت نماید.

ماده 79

تصحیح اشتباهات متون یا نسخه‌های مصدق معاهدات

1- چنانچه پس از تأیید اعتبار متن يك معاهده کشورهای امضاکننده و کشورهای

متعاقد توافق نمایند که متن معاهده حاوی اشتباهی است، تصحیح آن به یکی از طرق مشروحه زیر انجام خواهد گرفت مگر آنکه دول مزبور تصمیم دیگری را برای تصحیح اشتباه اتخاذ نمایند:

الف - از طریق انعکاس اصلاح مقتضی در متن و پاراف اصلاح به وسیله نمایندگان مختار؛

ب - از طریق تهیه یا مبادله سند یا اسنادی که در آنها متن تصحیحی مورد توافق منعکس شده است؛ یا

ج - از طریق تهیه یک متن کامل تصحیح شده طبق روشی که در خصوص متن اصلی رعایت شده است.

2- هنگامی که برای معاهده امینی در نظر گرفته شده باشد، وی اشتباه و پیشنهاد اصلاح آن را به کشورهای امضاکننده و کشورهای متعاقد اطلاع خواهد داد و مهلتی را که ظرف آن اعتراض به پیشنهادات اصلاحی میسر است، تعیین خواهد نمود. در صورتی که پس از انقضای مهلت:

الف - هیچ اعتراضی صورت نگرفته باشد امین، متن را اصلاح و آن را پاراف خواهد نمود و سپس صورتجلسه اصلاح متن را

تنظیم و رونوشتی از آن را جهت طرفه‌های معاهده و برای کشورهای که حق الحاق به آن را دارند، ارسال خواهد کرد؛

ب - چنانچه اعتراضی صورت گرفته باشد، امین آن را به کشورهای امضاکننده و به کشورهای متعاهد منعکس خواهد کرد.

3- قواعد مندرج در بندهای 1 و 2 مضافاً در موردی که اعتبار متن به دو یا چند زبان تأیید شده و سپس در انطباق آنها نقصی به نظر می‌رسد که حسب توافق کشورهای امضاکننده و کشورهای متعاهد باید تصحیح شود، اعمال خواهد شد.

4- متن تصحیح شده از همان ابتدا جانشین متن ناقص خواهد شد مگر آنکه کشورهای امضاکننده و دول متعاهد به نحو دیگری تصمیم بگیرند.

5- اصلاح متن معاهده‌ای که به ثبت رسیده است، به دبیرخانه سازمان ملل متحد اعلام خواهد شد.

6- اگر اشتباهی در نسخه مصدق يك معاهده دیده شود، امین صورتجلسه‌ای در خصوص اصلاح آن تنظیم کرده و رونوشتی از آن را جهت کشورهای امضاکننده و برای کشورهای متعاهد ارسال می‌نماید.

ماده 80

ثبت و انتشار معاهدات

1- معاهدات پس از لازم الاجرا شدن به دبیرخانه سازمان ملل متحد ارسال می‌گردند تا حسب مورد، ثبت دبیرخانه، بایگانی، یا ثبت در سوابق شده و منتشر گردند.

2- انتصاب امین او را مجاز به انجام اقدامات مقرر در بند اخیر می‌نماید.

بخش هشتم

مقررات نهایی

ماده 81

امضا

عهدنامه حاضر جهت امضای کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد یا نمایندگی‌های تخصصی یا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، و نیز جهت هر طرف ملحق شده

به اساسنامه ديوان بين‌المللي دادگستري و يا هر کشور ديگر که توسط مجمع عمومي سازمان ملل متحد براي الحاق به عهدنامه دعوت گرديده است به نحو زير مفتوح مي‌باشد: تا تاريخ 30 نوامبر 1969 در وزارت فدرال امور خارجه جمهوري اتريش، و سپس تا 30 آوريل 1970 در مقر سازمان ملل متحد در نيويورک.

ماده 82

تنفيذ

عهدنامه حاضر مشروط به تنفيذ است. اسناد تنفيذ به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

ماده 83

الحاق

عهدنامه حاضر براي الحاق هر کشور متعلق به هر کدام از گروههاي مذکور در ماده 81 مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

ماده 84 لازم الاجرا شدن

1- عهدنامه حاضر در سي امين روز پس از تاريخ سپردن سي و پنجمين سند تنفيذ يا الحاق، لازم الاجرا خواهد شد.¹⁰

2- عهدنامه حاضر براي هر کدام از كشورهايي كه آن را پس از سپردن سي و پنجمين سند تنفيذ يا الحاق، تنفيذ كنند يا به آن ملحق شوند، در سي امين روز پس از سپردن سند تنفيذ يا الحاق، لازم الاجرا خواهد شد.

ماده 85 متون معتبر

نسخه اصلي اين عهدنامه كه متون انگليسي، چيني، اسپانيايي، فرانسوي و روسي آن به طور يكسان معتبر هستند به دبیرکل سازمان ملل متحد تحویل خواهد گردید.

10. همان طور كه در قسمت «اشاره» گفتيم، اين شرط در 27 ژانويه 1980 حاصل شده و عهدنامه قوت قانوني پيدا کرده است.

نمایندگان تام‌الاختیار امضاکننده زیر که از سوی دولتهای متبوع خود به‌نحو مقتضی مجاز بوده‌اند، عهدنامه حاضر را امضا نموده‌اند.

وین، بیست و سوم ماه یک‌هزار و نهصد و شصت و نه میلادی

[عهدنامه در تاریخ بیست و سوم ماه مه یک‌هزار و نهصد و شصت و نه میلادی از جانب کشورهای زیر امضا گردیده است: افغانستان، آرژانتین، باربادوس، بولیوی، برزیل، کامبوج، شیلی، کلمبیا، کنگو (برازاویل)، کاستاریکا، اکوادور، فنلاند، غنا، گواتمالا، گویان، هندوراس، ایران، جامائیکا، کنیا، لیبریا، ماداگاسکار، مکزیک، مراکش، نپال، نیجریه، فیلیپین، سودان، ترینیداد و توباگو، اروگوئه، یوگسلاوی، و زامبیا].

ضمائم

روش سازش - مربوط به بند «ب» ماده 66 عهدنامه

1- دبیرکل سازمان ملل متحد فهرستی از سازش‌دهندگان¹¹ را که مرکب از حقوق‌دانان واجد صلاحیت باشد، تهیه و نگهداری خواهد نمود. بدین منظور، از هر کشور عضو سازمان ملل متحد یا طرف عهدنامه حاضر دعوت خواهد شد تا اسامی دو نفر سازش‌دهنده را پیشنهاد نماید. اسامی افرادی که بدین نحو پیشنهاد می‌شوند فهرست مورد نظر را تشکیل خواهد داد. مدت خدمت سازش‌دهندگان منجمله، مدت خدمت فردی که برای اشغال پستی که به‌طور اتفاق بلاتصدی مانده است پیشنهاد می‌شود، پنج سال قابل تمدید خواهد بود. سازش‌دهنده‌ای که مدت خدمت او خاتمه یافته است، کار خود را در ارتباط با وظایفی که به‌موجب بند ذیل به وی محول شده ادامه خواهد داد.

2- وقتی که تقاضایی طبق ماده 66 به دبیرکل تسلیم می‌شود، دبیرکل اختلاف را

11. Conciliators.

در کمیسیون سازشی که به ترتیب زیر تشکیل یافته است، مطرح می‌نماید:

کشور یا کشورهایی که یک طرف اختلاف را تشکیل می‌دهند دو سازش‌دهنده را به ترتیب زیر انتخاب می‌نماید:

الف - یک سازش‌دهنده تبعه کشور طرف اختلاف یا یکی از کشورهای طرف اختلاف که ممکن است از فهرست مذکور در بند 1 انتخاب شود یا از خارج آن؛ و

ب - یک سازش‌دهنده که تبعه کشور طرف اختلاف یا کشورهای طرف اختلاف نبوده و می‌باید از فهرست مذکور انتخاب شود.

کشور یا کشورهایی که طرف دیگر اختلاف را تشکیل می‌دهند به همین ترتیب دو سازش‌دهنده را انتخاب می‌کنند. چهار سازش‌دهنده منتخب طرفین باید در ظرف 60 روز از تاریخی که دبیرکل سازمان ملل تقاضا را دریافت کرده است، منصوب شوند. شصت روز پس از آخرین انتصاب، چهار سازش‌دهنده مزبور شخص پنجمی را از همان فهرست به عنوان رئیس برخوانند گزید.

اگر در مهلت مقرر برای انتصاب، رئیس یا یکی از سازش‌دهندگان منصوب نشده باشد، دبیرکل تا شصت روز پس از انقضای

مهلت مزبور، به انتصاب اقدام خواهد کرد. دبیرکل میتواند خواه یکی از اشخاص مندرج در فهرست و خواه یکی از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل را به‌عنوان رئیس معین نماید. در صورت توافق طرفین اختلاف، هر کدام از مهلتها قابل تمدید میباشد.

هرگاه پُست یکی از سازش‌دهندگان خالی بماند انتصاب جانشین وی طبق همان ترتیبات خاص انجام خواهد شد که در خصوص انتصاب بدوی رعایت شده است.

3- کمیسیون سازش در خصوص آیین رسیدگی، خود تصمیم خواهد گرفت. در صورت توافق طرفین اختلاف، کمیسیون میتواند از هر طرف عهدنامه دعوت کند تا نظریات خود را شفاهاً یا کتباً به آن تسلیم نماید. تصمیمات و توصیه‌های کمیسیون به اکثریت آرای اعضای پنج‌گانه آن اتخاذ و تصویب میشود.

4- کمیسیون میتواند طرفهای اختلاف را متوجه هرگونه تدابیری نماید که حل و فصل دوستانه اختلافشان را تسهیل میکند.

5- کمیسیون اظهارات طرفهای اختلاف را استماع خواهد نمود. ادعاها و

ایرادات را بررسی و به آنان پیشنهاداتی خواهد کرد که آنها را برای حل و فصل دوستانه اختلاف یاری می‌نماید.

6- کمیسیون ظرف دوازده ماه پس از تشکیل، گزارش کار خود را تهیه خواهد نمود. گزارش کمیسیون به دبیرکل تسلیم می‌شود و به آگاهی طرفهای اختلاف خواهد رسید. گزارش مزبور، منجمله نتیجه‌گیریهای حاصله در خصوص وقایع و جنبه‌های حقوقی قضیه، برای طرفهای اختلاف الزام‌آور نیست و فقط بیان توصیه‌هایی است که جهت بررسی، به طرفها پیشنهاد می‌شود تا حل و فصل دوستانه اختلاف تسهیل گردد.

7- دبیرکل کمکها و تسهیلاتی را که کمیسیون سازش به آن نیازمند می‌باشد، فراهم می‌آورد. مخارج کمیسیون را سازمان ملل متحد تأمین می‌نماید.

2

اعلامیه‌های و قطعنامه‌های کنفرانس سازمان
ملل متحد

درباره حقوق معاهدات

اعلامیه مربوطه ممنوعیت اجبار نظامی،
سیاسی یا اقتصادی در
انعقاد معاهدات

کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص حقوق
معاهدات،

با تأیید این اصل که هر معاهده
لازم الاجرائی، برای طرفین آن تعهدآور
بوده و باید از جانب آنها با حسن نیت
اجرا گردد،

با تأکید بر اصل تساوی حاکمیت
کشورها،

با اعتقاد به اینکه کشورها جهت
انجام هر اقدام مربوط به انعقاد معاهده
باید از آزادی کامل برخوردار باشند،
با ابراز تأسف از اینکه در گذشته
کشورها مجبور بوده اند تحت فشار و
تضییقات گوناگون دیگر کشور معاهداتی
منعقد کنند،

و با تمایل به حصول اطمینان از
اینکه در آتی هیچ کشوری نتواند چنین

تضییقاتی را در ارتباط با انعقاد یک
معاهده اعمال نماید،

1- توسل به تهدید با عمل هرگونه
فشار اعم از نظامی، سیاسی یا اقتصادی
را که یک کشور به منظور مجبور کردن
کشوری دیگر در انجام اقدامات مربوط به
انعقاد معاهده، و برخلاف اصل تساوی
حاکمیت کشورها و آزادی اراده به کار
می‌برد، رسماً محکوم می‌نماید؛

2- تصمیم می‌گیرد که اعلامیه حاضر
بخشی از پیمان نهایی کنفرانس راجع به
حقوق معاهدات باشد.

اعلامیه راجع به مشارکت جهانی در عهدنامه

وین

در خصوص حقوق معاهدات

**کنفرانس سازمان ملل در خصوص حقوق
معاهدات،**

با اعتقاد به اینکه معاهدات
جندجانبه مربوط به تدوین و توسعه
مترقیانه حقوق بین‌الملل یا آنهایی که
موضوع و هدفشان برای کل جامعه

بین‌المللی واجد نفعی است، باید برای مشارکت همه کشورهای جهان مفتوح باشند، و با توجه به اینکه مواد 82 و 83 عهدنامه وین در خصوص حقوق معاهدات به مجمع عمومی اجازه می‌دهد تا از کشورهای که عضو سازمان ملل متحد با یکی از سازمانهای خاص فرعی آن یا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیستند و یا به اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری ملحق نشده‌اند، مخصوصاً دعوت نماید تا عضویت عهدنامه مزبور را بپذیرند،

1- از مجمع عمومی دعوت می‌کند که مسئله ارسال دعوت‌نامه را در بیست و چهارمین اجلاس خود مورد بررسی قرار دهد تا مشارکت بیشترین تعداد ممکن در عهدنامه وین در خصوص حقوق معاهدات تأمین گردد؛

2- امیدوار است که کشورهای عضو سازمان ملل متحد بکوشند تا منظور اعلامیه حاضر را تحقق بخشند؛

3- از دبیرکل سازمان ملل متحد تقاضا می‌کند توجه مجمع عمومی را به اعلامیه حاضر جلب نماید؛

4- تصمیم می‌گیرد که اعلامیه حاضر بخشی از پیمان نهایی کنفرانس ملل متحد در خصوص حقوق معاهدات باشد.

قطعنامه مربوطه ماده يك عهدنامه وين در خصوص حقوق معاهدات

کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص حقوق معاهدات،

با یادآوری اینکه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره (21) 2166 مورخ 5 دسامبر 1966 خود طرح پیشنهادی مواد فصل دوم گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل (هیجدهمین اجلاسیه آن) را به کنفرانس تسلیم داشته است،

با توجه به اینکه مواد طرح پیشنهادی کمیسیون تنها به معاهدات منعقدہ بین کشورها مربوط می‌گردد،

با تشخیص اهمیت مسئله معاهدات منعقدہ بین کشورها و سازمانهای بین‌المللی یا فیما بین دو یا چندین سازمان بین‌المللی،

با علم به اینکه سازمانهای بین‌المللی برخوردارهای عملی مختلفی در این مورد دارند، و **با آرزوی** اینکه تجربه وسیع سازمانهای بین‌المللی در این زمینه به نحو احسن مورد استفاده قرار گیرد، به مجمع عمومی سازمان ملل متحد توصیه می‌کند موضوع معاهدات منعقد شده بین کشورها و سازمانهای بین‌المللی یا فیما بین دو یا چندین سازمان بین‌المللی را مجدداً به کمیسیون حقوق بین‌الملل ارجاع دهد تا با مشورت سازمانهای بین‌المللی عمده مورد مطالعه واقع شود.

قطعه‌نامه راجع به اعلامیه مربوط به
ممنوعیت اجبار نظامی،
سیاسی یا اقتصادی در انعقاد معاهدات

کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص حقوق
معاهدات،

که اعلامیه مربوطه ممنوعیت اجبار نظامی، سیاسی یا اقتصادی جهت انعقاد معاهده را به‌عنوان بخشی از پیمان نهایی کنفرانس تصویب کرده است،

1- از مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقاضا دارد اعلامیه مزبور را به آگاهی کلیه کشورهای عضو و کشورهای دیگر شرکتکننده در کنفرانس و همچنین به ارگانهای مهم سازمان ملل متحد برساند.

2- از کشورهای عضو تقاضا دارد اعلامیه را هرچه گسترده‌تر تبلیغ و تکثیر نمایند.